Archive of SID

پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال شانزدهم شماره ۳۱ پاییز و زمستان ۱۳۹۷ (صص ۶۶-۴۷)

بررسی ساختار و محتوای آستانه‌سرایی در منظومه‌های فارسی تا قرن ششم

مهدی دهرامی

چکیده

مرسوم است شاعر قبل از شروع متن اصلی منظومه، بخش‌هایی را به عنوان آستانه منظومه می‌آورد که حکم دروازه ورود به متن اصلی دارد. این سنت قدمتی دیرین دارد و در کهن‌ترین آثار ایرانی همچون اوستا و کتیبه‌های هخامنشی و منظومه‌های پهلوی دیده می‌شود و در منظومه‌های دری نیز استمرار یافته است. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی و با بررسی ۱۹ منظومه فارسی تا قرن ششم، در پی آن است که نشان دهد مقدمه‌ها از نظر محتوا و ساختار شامل چه مواردی است؟ آیا می‌توان سیر و تطوری برای آن در نظر گرفت؟ مقدمه‌های منظومه‌های مورد بررسی در سه دستهٔ دارای مقدمه‌های عمومی(یازده مورد)، تخصصی(پنج مورد) و بدون مقدمه(سه مورد) جای می‌گیرد. در مقدمه‌هایی اختصاصی، شاعر به اقتضای موضوع اثر، آستانه‌ای متناسب با آن برای ورود به متن اصلی سامان می‌دهد. مقدمه‌های عمومی که از رایج‌ترین مقدمه‌هاست، شامل مباحثی چون تحمیدیه، نعت رسول(ص) و صحابه، معراج‌نامه، آفرینش، بخش آزاد وصفی، مدح ممدوح، سبب تالیف کتاب(اشاره به پیشینه و نقد آنها، دشواری کار، دلیل سرایش) و بستر نهایی است. فردوسی را می‌توان پیشرو مقدمه‌سرایی عمومی دانست و بعد از وی مقدمه به مرور تحولاتی همچون بسط اجزای مقدمه، افزودن مقدمه منثور یا بخش‌های دیگری همچون معراج‌نامه را داشته است.

کلید واژه‌ها: منظومه فارسی، دیباچه، مقدمه‌سرایی، قالب مثنوی

۱- مقدمه

منظومه به نوعی خاص از شعر اطلاق می‌شود که سه ویژگی روایی، بلند و در قالب مثنوی بودن برای آن در نظر گرفته‌اند: «داستان‌ها و افسانه‌های بلند که در قالب مثنوی به نظم آورده باشند»(دهخدا، ذیل

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه جیرفت Email:dehrami@ujiroft.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۱۲ **تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۱**

این پروژه با بهره‌مندی از اعتبارات پژوهشی دانشگاه جیرفت،در قالب طرح پژوهشی به شماره ۳ -۹۶- ۷۸۱۶ به انجام رسیده است.

www.SID.ir

Archive of SID

منظومه) اما این صفات و ویژگی‌ها در مورد همه منظومه‌ها صدق ندارد. بسیاری از اشعاری که امروزه منظومه می‌دانیم روایی و داستانی نیست؛ مانند آفرین‌نامه و نصاب‌الصبیان. طولانی و بلند بودن منظومه نیز همواره رعایت نمی‌شود و برخی منظومه‌ها بسیار کوتاه‌اند؛ همچون منظومه گهریال منسوب به امیرخسرو که تنها نه بیت دارد. ویژگی در قالب مثنوی‌بودن منظومه نیز مثل ویژگی‌های دیگر شرط اصلی منظومه نیست که نمونه معروف آن منظومه *موش و گربه* از عبید زاکانی است. در تعریفی جامع‌تر می‌توان گفت: «منظومه در اصطلاح به اشعار بلند روایی یا گاه غیرروایی گفته می‌شود که استقلال و وحدت موضوعی دارد و دارای طرح قبلی است و بیشتر در قالب مثنوی و بندرت در قوالب دیگر سروده می‌شود»(دهرامی،۱۳۹۵: ۲) کمتر منظومه و حتی اثری ادبی وجود دارد که مصنف بلافاصله بعد از عنوان، موضوع اصلی را شروع کند و از آنجا که منظومه‌ها معمولا به عنوان آثاری مستقل منتشر می‌شده، یکی از خصوصیات مهم آنها داشتن مقدمه و بسترسازی برای ورود به اصل موضوع است.

۱-۱- بیان مساله وسوالات تحقیق

این تحقیق با توجه به مقدمه‌های منظومه‌های فارسی در پی آن است نشان دهد اولین مقدمه را چه کسی در منظومه درج کرده است؟ مقدمه‌ها از نظر محتوا و ساختار شامل چه مواردی است؟ آیا می‌توان سیر و تطوری برای آن در نظر گرفت؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

هدف این مقاله بررسی سیر و تطور آستانه‌های منظومه‌های فارسی از منظرهای ساختاری و محتوایی است. بخش‌های ابتدایی مقدمه که با اصطلاحات مختلفی چون تمهید، دیباچه، مقدمه، آستانه و امثالهم نیز شهرت دارد، دارای اطلاعات مختلفی و ارزشمندی در مورد اثر، مصنف و مشرب فکری او، پیشینه اثر، ارزش‌های زیباشناختی و امثالهم است از همین روی بررسی آن در شناخت جایگاه منظومه ضرورت دارد.

۱-۳- روش تفصیلی تحقیق

این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است. در ابتدا ۱۹ منظومه فارسی تا قرن ششم جمع‌آوری گشت و با بررسی مقدمه، انواع آنها دسته‌بندی و اجزای‌شان از نظر ساختاری تفکیک و از حیث محتوایی بررسی شد. سپس با نگاهی کلی، سیر و تطور مقدمه‌ها پی‌گیری

www.SID.ir

Archive of SID

شد. منظومه‌های مورد بررسی شامل این موارد است: شاهنامه فردوسی، ورقه و گلشاه عیوقی، راحه‌الانسان بدایعی بلخی، گرشاسب‌نامه اسدی طوسی، یوسف و زلیخای منسوب به فردوسی، مخزن‌الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و هفت‌پیکر نظامی، ختم‌الغرائب منسوب به خاقانی، دانشنامه میسری، رحیق‌التحقیق مبارک‌شاه، سیرالعباد، تحریمه‌القلم و کارنامه بلخ سنایی، علی‌نامه ربیع، عروض منظوم رشیدالدین وطواط، روشنایی‌نامه و سعادت‌نامه ناصرخسرو. البته به فراخور بحث گاه اشاراتی به منظومه‌های دیگری نیز شده است.

۴-۱- پیشینه تحقیق

در مورد بخش آغازین آثار تاکنون تحقیقاتی انجام گرفته است از جمله غلامرضا ستوده و محمدباقر نجف زاده کتابی با عنوان تحمیدیه در ادب فارسی نگاشته‌اند. محمدحسین کرمی و آذرمکان نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی تحمیدیه‌های چهار لیلی و مجنون» که ماخوذ از رساله دکتری است به این موضوع پرداخته‌اند اما این تحقیقات تنها به بخش تحمیدیه توجه داشته‌اند و بخش‌های دیگر مقدمه در آنها مغفول مانده است. تحقیق حاضر با دسته‌بندی مقدمه‌های منظومه‌ها از حیث محتوا و ساختار به بررسی آنها پرداخته است.

۲-آستانه و مقدمه منظومه

یکی از بخش‌های مهم هر منظومه‌ای بخش شروع و آغازین آن است که حکم دروازه ورود به متن اصلی دارد. با آنکه عنوان مقدمه نشان‌گر بخش‌های اولیه منظومه است محتوای آنها نشان می‌دهد بعد از سرایش متن اصلی سروده می‌شود. بخش مقدمه مجزا از متن اصلی است اما اطلاعات مهمی ارائه می‌کند که در فهم و تفسیر و تاویل متن کمک می‌کند. توجه به مقدمه و استفاده از آن قدمتی دیرین دارد. «تور جانسون شیوه‌های آغاز را در دوران باستان بویژه در آثار یونانی و لاتینی به چهار دسته تقسیم می‌کند: دیباچه، پیش‌گفتار، سرآغاز و دیباچه مجازی. دیباچه مقدمه‌ای بود که مولف سبب تصنیف اثر را بیان می‌کرد و معمولا به چهار نکته اشاره می‌کردند: آن را به فردی تقدیم می‌کردند؛ اشاره به اینکه اثر را به درخواست چه کسی تدوین کرده‌اند؛ اشاره به اینکه مصنف نمی‌خواسته چنین کار دشواری را بر عهده بگیرد و ذکر این نکته که علی‌رغم مشکلات، مصنف تسلیم درخواست متقاضی شده است. پیش‌گفتار زمینه‌ای بود که اثر را برای شروع نهایی آماده می‌کرد و خوانندگان را در حال و فضای اثر قرار می‌داد. سرآغاز در

www.SID.ir

Archive of SID

اصـــل عبارت و جمله‌ای بود که متنی را معرفی می‌کرد و متن با آن شـــروع می‌شـــد. در دیباچه مجازی مصنف بدون توضیحات رسمی درباره سبب نگارش مستقیم متن را با پیش‌گفتار که در واقع جز خود متن اســت شــروع می‌کرد.»(اخوت،۱۳۷۱ : ۲۳۳) یکی از افرادی که به آســتانه متن توجه خاصی داشته ژرار ژنت است. وی فرامتنیت را به پنج دسته تقسیم می‌کند که یکی از آنها پیرامتنیت اســـت. از نظر ژنت متن به صـــور خام عرضـــه نمی‌شـــود بلکه دارای پیرامتن اســـت. «پیرامتنیت ارتباط میان یک متن است با پیرامتنش- که بدنه اصلی متن را احاطه کرده است. مثل عنوان، ســر تیتر، دیباچه، ســر لوحه، تقدیمات، تقدیر و تشــکر، زیر نویس ها، تصــاویر، توضــیح پشت جلد و غیره بررسی می‌شود»(چندلر، ۱۳۸۷: ۲۹۷-۲۹۶) بسیاری از مولفه‌های پیرامتنی ژنت که با صنعت چاپ رونق گرفته، امروزه در مورد منظومه‌های کهن، دیگر در اختیار مصنف نیست اما برخی از آنها همچون تقدیم‌نامه و گاه فهرست‌ها در گذشته جزیی از متن بوده و به مرور تغییر جایگاه داده و در خارج از متن مصـــنف واقع شـــده اســـت. صـــرف نظر از بســـیاری از مولفه‌های امروزی پیرامتنی که ژنت برشمرده برخی از آنها در ساختار مقدمه منظومه‌ها مندرج بوده است و گذشتگان نیز به آن اشاره داشته‌اند. مولف هفت آسمان بخش آغازین منظومه را تمهید نامیده و آن را برای هر منظومه‌ای چه کوتاه چه بلند لازم دانسته است: «بدان که هریک داستان مثنوی را خواه قلیل باشد خواه کثیر تمهید شرط است و سلسله ربط کلام واجب و دیباچه مثنوی را چند چیز لازم است: توحید، مناجات، نعت، مدح سلطان زمان، تعریف سخن و سخنوران، سبب تالیف و تصـــنیف کتاب»(آقا احمد علی، ۱۹۸۳ :۴۲) صـــاحبان منظومه توجه خاص و دقیقی به مقدمه داشته‌اند و به اقتضای شیوه انتشار زمان خود، سعی کرده‌اند اطلاعات و بستر لازم را برای ورود به اصل داستان و فهم بهتر و دقیق‌تر در اختیار مخاطب قرار دهند.

۳-سیر و تحول مقدمه‌های منظومه‌های ادب فارسی تا قرن ششم

سنت دیباچه و مقدمه در متون ایرانی قدمتی دیرین دارد. گاهان‌ها که آن را قدیمی‌ترین بخش اوستا می‌دانند عموما خطاب به اهورامزدا و وصف او آغاز شده است که می‌توان آن را تحمیدیه محسوب کرد. در کتیبه‌های هخامنشی برحسب دو قدرت اصلی یعنی شاه و اهورامزدا، مقدمه دارای دو نوع ساختار است: معرفی صاحب کتیبه(همچون کتیبه آریارمنه و آرشام؛ ر.ک: نارمن شارپ، ۱۳۸۸: ۳۲ و ۲۳ و ۲۶) و تحمیدیه یا ستایش اهورامزدا. نوع دوم نخستین بار در کتیبه‌های داریوش دیده می‌شود که متن با وصف اهورامزدا و آفریده‌های او شروع شده، سپس به صورت خلاقانه و منسجم به معرفی

www.SID.ir

Archive of SID

صاحب کتیبه پیوند خورده است: «خدای بزرگ اهورامزدا که زمین را آفرید، که آسمان را آفرید که مردم را آفرید که شادی آفرید که داریوش را شاه کرد...»(همان: ۸۵) و از آنجا که این بخش آغازین با همین توصیفات در کتیبه‌های دیگر نیز آمده نشان می‌دهد تحمیدیه سنتی ادبی و رایج محسوب می‌شده است. در منظومه‌های پهلوی نیز شیوه مقدمه‌سرایی استمرار یافته است. گاه منظومه با تحمیدیه و مختصری در مورد عنوان و موضوع کتاب آمده همچون یادگار زریران(ر.ک: جاماسب جی دستور،۱۳۷۱: ۴۹) و گاه با معرفی شخصیت‌ها آن‌چنان‌که در درخت آسوریک دیده می‌شود(همان: ۱۴۶)

سنت مقدمه‌سرایی در ادبیات بعد از اسلام بنا بر توصیه‌های دینی مبنی بر شروع کارها با نام خداوند و سنت دیرین مقدمه‌نویسی یا سرایی رواج گسترده‌ای یافته است. برخی در مورد منظومه‌های ادبیات دری معتقدند نظامی مقدمه و دیباچه را به تکامل رسانده است آن‌چنان‌که صاحب تذکره هفت آسمان آورده: «جمیع مدارج دیباچه مثنوی موجد نظامی گنجوی است و قبل از او نبوده فقط مثنوی از قصه آغاز می‌کردند»(آقا احمدعلی،۱۹۸۳ :۴۲) البته اینکه نظامی را موجد همه این موضوعات دانست سخنی به واقع نیست زیرا پیش از او آن‌چنان‌که گفته خواهد شد، شاعران دیگری بوده‌اند که ساختاری برای تمهید و مقدمه منظومه سامان دیده‌اند.

از همان دوران اولیهٔ شعر فارسی، منظومه‌هایی وجود داشته که نشانگر توجه ایرانیان به سنت داستان‌پردازی و منظومه‌سرایی است. ابیات اندک و پراکنده‌ای از مثنوی‌های اولیه باقی مانده و نمی‌توان پی برد آیا مقدمه و آستانه داشته‌اند و در صورت داشتن، مقدمه چگونه بوده است. برخی نخستین بیت منظومه کلیله و دمنه رودکی را این بیت می‌دانند:

«هر که نامخت از گذشت روزگار هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار»(نفیسی، ۱۳۴۱: ۴۳۱)

اگر چنین باشد منظومه وی مقدمه‌ای قابل توجه داشته و شروع آن با گزاره‌ای تعلیمی بوده و نسبت به مقدمه‌های منظومه‌های قرون دیگر که مشتمل بر تحمیدیه و نعت است، تفاوت چشمگیری داشته است. اما بیشتر به نظر می‌رسد این بیت شروع بخش اصلی منظومه باشد نه شروع منظومه. در مورد مقدمه‌های منظومه‌های مسعودی مروزی، دقیقی و بوشکور بلخی به سبب کامل نبودن منظومه نمی‌توان نظری داد.

www.SID.ir

Archive of SID

براساس منظومه‌های مورد بررسی، آنها را می‌توان از حیث مقدمه در سه دسته جای داد: مقدمه‌های عمومی، مقدمه‌های تخصصی و فاقد مقدمه. با همه اهمیت مقدمه، باز برخی منظومه‌ها دارای مقدمه نیست و از آنجا که مورد بحث نیست به اجمال به آن اشاره می‌شود. شاعر در این منظومه‌ها به صورت ناگهانی وارد بخش اصلی می‌شود بدون آنکه زمینه‌چینی کند یا مقدمه‌ای عمومی برای آن در نظر بگیرد. بی‌مقدمه بودن می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. معمولا مقدمه بعد از سرایش منظومه تنظیم می‌شود؛ از همین منظر اگر شاعر منظومه را به پایان نبرده باشد، فاقد مقدمه خواهد بود. کوتاه بودن منظومه و جنبه تفننی یا آموزشی آن نیز می‌تواند در سروده‌نشدن مقدمه نقش داشته باشد. زیرا شاعر قصد نداشته آن را به صورت منظومه‌ای مستقل عرضه کند یا به دلیل تاکید بر جنبه‌های آموزشی نخواسته، مباحثی غیر از اصل موضوع بر آن بیفزاید. البته گاه شاعر برخی مباحثی که در برخی منظومه‌ها در مقدمه ذکر می‌شود در اختتام آن می‌آورد. سه منظومه از منظومه های مورد بررسی، یعنی سعادت‌نامه ناصر خسرو، منظومه عروض رشید وطواط و ختم‌الغرائب منسوب به خاقانی فاقد مقدمه است. نخستین منظومه با این ساختار سعادت‌نامه ناصرخسرو است که به صورت ناگهانی متن اصلی و باب نخست یعنی «در تسلیم» آغاز شده است. منظومه کوتاه رشید وطواط در زمینه عروض نیز از دیگر منظومه‌های بدون مقدمه است که شاعر به صورت ناگهانی وارد آن بحث شده است:

هزج را گر تمام ارکان خواهی از او مگذر بگیر این قطعه را یاد و بکن این بیت را از بر

(وطواط،۱۳۲۴ : ۶۸)

هدف آموزشی در این منظومه‌ها بر اهداف ادبی و آراستگی منظومه و رعایت ساختار مرسوم غلبه یافته است. شاعر نخواسته به اقتضای موضوع صرف تعلیمی و مخاطبان خاص خود، مباحثی غیر ضرور بیاورد. البته به مرور برخی شاعران چنین منظومه‌هایی خلاقیت‌های خاصی به‌کار گرفته‌اند که هم ساختار مرسوم رعایت شود هم از جنبه تعلیمی اثر کاسته نشود که در بخش‌های بعد بحث خواهد شد.

۳-۱-مقدمه‌های تخصصی

در این نوع مقدمه، شاعر اثر خود را براساس موضوع و محتوای کتاب با نوعی زمینه‌چینی و تمهید آغاز می‌کند تا بتواند به اصل موضوع وارد شود. این نوع مقدمه‌ها بسیار ارزشمندند و در پاره‌ای موارد از نظر ادبی جایگاه بلندی حتی نسبت به مقدمه‌های عمومی دارند زیرا شاعر مقدمه را

www.SID.ir

Archive of SID

در راستای موضوع اصلی منظومه می‌سراید و مخاطب را برای ورود به آن آماده می‌کند به‌گونه‌ای که حذف مقدمه به بلاغت و فهم متن آسیب می‌رساند. از منظومه‌های مهمی که به این شیوه سروده شده کارنامه بلخ سنایی است. مقدمه این منظومه قابل توجه و از هنرمندانه‌ترین مقدمه‌های منظومه است. این بخش خطاب به باد آغاز شده است و با موضوع کتاب که نامه‌ای منظوم به اهالی غزنین است، تناسب ادبی کاملی دارد. باد در سنت ادبی حامل پیغام و نامه‌بر محسوب می‌شود و شاعر به آن توجه داشته است:

ویحک ای نقشبند بی‌خامه قاصـــد رایگـــــان بی‌نامه(سنایی،۱۳۳۴ :۲۹۹-۳۰۰)

شاعر همه متن مطایبه‌نامه منظوم خود و مدح پادشاه، شاهزادگان و ارباب دیوان و وزیرا و امرا و لشکریان و هجو گروهی از مردم را خطاب به باد سروده و از این طریق نوعی انسجام ایجاد کرده است. اگرچه انوری نیز در قصیده معروف خود با مطلع:

به سمرقند اگر بگذری ای باد سحر نامه اهل خراسان به بر خاقان بر(انوری،۱۳۶۴ : ۱۰۵)

خطاب به باد آغاز کرده اما این خطاب استمرار نیافته و مخاطب تغییر یافته اما سنایی خطاب نخستین را فراموش نکرده و در لابه‌لای منظومه مخاطب خود را یاد آورده و از این طریق کیفیت عاطفی خاصی به اثر بخشیده است. منظومه دیگری با این نوع تمهید، سیرالعباد باز از سنایی است که آن نیز به شیوه کارنامه بلخ خطاب به باد آغاز شده اما باد وجهه‌ای خاص و متفاوت یافته است. خصوصیت باد تحرک داشتن و سکون نیافتن است. باد از دریاها می‌گذرد و تر نمی‌شود، گرد هنگامه‌های بوالعجبان می‌چرخد و سیاح کوه و جیحون و دیگر مظاهر جهان مادی است اما آلوده نمی‌شود و صفت روح دارد که حس می‌شود اما دیده نمی‌شود. این نوع وصف از باد متناسب با موضوع اثر است. سیرالعباد اولین منظومه رمزی ادبیات فارسی است با موضوع سفری روحانی به مبدا و معاد. اساس این اثر تبیین حرکت انسان و سالک و سیر صعودی او و گذر از مراتب آفرینش و صفات ذمیمه است و گذر نیز از خصوصیت باد است:

چنـــد گـردی بسان بی‌ادبیان گـرد هنگامه‌های بوالعجبان

برهان یک ره ای فریشته‌وش خویشتن را ز آب و از آتش(سنایی،۱۳۱۶ : ۴-۵)

www.SID.ir

Archive of SID

اگرچه سنایی بعد از این مقدمه، مباحثی در آفرینش هستی و ترتیب و ترکیب جماد و نبات و حیوان و انسان آورده(که جزیی از مقدمه‌های عمومی محسوب می‌شود) اما این مباحث در این اثر جزیی از متن اصلی و سیر نزولی آفرینش است که سالک باید در قوس صعودی به مبدا بازگردد.

مقدمه رحیق‌التحقیق نیز اگرچه برخی از ویژگی‌های منظومه‌های عمومی را داراست از مقوله مقدمه‌های اختصاصی به شمار می‌رود و شاعر توانسته سیر مقدمه را منسجم به پیش ببرد. این اثر از فخرالدین مبارک شاه مرورودی شاعر قرن ششم است. موضوع منظومه رسیدن به معرفت و شناخت خداوند از طریق شیوه اثر به موثر و معلول به علت است که به صورت نمادین بیان شده است. مبارک‌شاه منظومه خود را با ساقی‌نامه آغاز کرده و با وصف عشق و برتری و سابق‌بودن آن بر آفریده‌های دیگر، رشته سخن را به وصف آفرینش پیوند داده و با رسیدن به آفرینش انسان از غرق شدن او در جمال الهی سخن گفته و با این تخلص‌گونه، به صفات خداوند پرداخته است. شاعر عشق را یاور انسان در سلوک دانسته است:

مرد کاینجا رسید جای نماند عشق پر گرددش چو پای نماند(مبارکشاه،۱۳۸۱: ۶۱-۶۲)

و با این زمینه‌چینی و آوردن چند حکایت، برای تبیین معنای سلوک در مقام تمثیل، به اصل منظومه وارد شده است. از آثار دیگری که با این شیوه شروع شده، منظومه علی‌نامه(سروده شده در سال ۴۸۲) از ربیع و تحریمه‌القلم سنایی است.

۳-۲-مقدمه‌ها عمومی

رایج‌ترین نوع مقدمه‌ها محسوب می‌شود و با کمی جابه‌جایی اجزا و حذف و اضافات، در بیشتر منظومه‌ها دیده می‌شود. اجزای مقدمه‌های عمومی شامل تحمیدیه، نعت رسول(ص) و صحابه، آفرینش جهان و مراتب آن(معمولا بر مشرب فلاسفه قدیم)، بخش وصفی، سبب تالیف کتاب، مدح ممدوح و بستر نهایی است. اسامی منظومه‌هایی که دارای مقدمه عمومی‌اند در پایان این بخش در جدول ذکر شده است. جز در هفت پیکر و خسرو و شیرین نظامی، شباهتی میان ساختار منظومه‌ها از نظر ترتیب اجزا وجود ندارد. نخستین منظومه‌ای که کامل به دست رسیده شاهنامه فردوسی است و او را باید بنیان‌گذار آستانه‌سرایی و نخستین شاعری دانست که مقدمه‌ای کامل و جامع برای اثر خود تدارک دیده است. مقایسه این مقدمه با مقدمه‌های آثار بعد از او که در ادامه بیشتر توضیح داده خواهد شد، نشان‌گر مهارت و خلاقیت فردوسی است. مقدمه او تقریبا همه اجزای مقدمه‌های عمومی را داراست. بعد از آن البته تغییراتی در مقدمه روی داده که یکی از آنها گسترش و بسط آن است.

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه فردوسی و منظومه ورقه و گلشاه به ترتیب دارای ۲۰۹ و ۶۰ بیت است اما به مرور مقدمه‌ها مبسوط‌تر می‌شود آن‌چنان‌که گرشاسپ‌نامه ۳۴۶ بیت، ویس و رامین ۴۹۶ بیت، خسرو و شیرین ۵۶۹ بیت و لیلی و مجنون ۸۲۹ بیت در مقدمه آمده است. از تغییرات دیگر افزوده شدن مقدمه‌های منثور به منظومه است. اولین منظومه با این ویژگی راحه‌الانسان از بدایعی بلخی است و بعد از او سنایی نیز در حدیقه الحقیقه و خاقانی در تحفه‌العراقین از این شیوه بهره برده‌اند. بدایعی در بخش منثور در دو سطر حمد خداوند و نعت پیامبر(ص) آورده است(ر.ک: بدایعی بلخی،۱۳۱۳: ۱۸۲) که از حیث لفظی و تصویری بسیار نزدیک به مقدمه کیمیای سعادت است(ر.ک: غزالی،۱۳۸۰: ۳). بعد از مقدمه منثور، مقدمه‌ای منظوم در شش بیت آمده که شامل تحمیدیه و وصف اثر است. یکی از موارد که در قرن ششم به مقدمه(در بخش نعت رسول(ص)) افزوده شد معراج‌نامه است که نظامی نخست بار در مقدمه مخزن‌الاسرار آورد و در هفت پیکر و اسکندرنامه نیز استمرار بخشید و امیرخسرو دهلوی نیز شیوه او را ادامه داد. پرداختن به همه اجزای مقدمه‌های عمومی فراتر از حجم مقاله است از همین روی به درج جدول اکتفا شده، تنها به بخش سبب تالیف و بستر نهایی پرداخته می‌شود.

جدول۱: اجزا و ترتیب مقدمه‌های عمومی منظومه‌های مورد بررسی

عنوان منظومه	۱- ابیات تحمیدیه	۲- ابیات و موضوع بخش آزاد وصفی	۳- ابیات آفرینش جهان	۴-ابیات نعت رسول(ص) و صحابه	۵-ابیات سبب تالیف	۶- مدح ممدوح	۷- داشتن بستر نهایی	۸-ترتیب قرارگیری اجزا
شاهنامه	۱۵	۱۸/ ستایش خرد	۵۶	۱۸	۵۳	۴۸	+	1.2.3.4.5,6
روشنایی‌نامه	۲۹	۱۰/ پند و تعلیم و حکمت‌آموزی	_	_	۳	_	_	1,3,2,5
ورقه و گلشاه	۱۶(الحاقی)[۱]	۱۱/ستایش سخن	_	۶بیت در میانه تحمیدیه. این پریشانی به دلیل جعلی بودن مقدمه است(ر.ک: قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۰۰)	_	۴۴	+	1.4,6,2
راحه الانسان	۴ بیت/ به نثر نیز آمده	۸/ ستایش خرد	_	در بخش مقدمه منثور	در بخش مقدمه منثور	_	+	نثر: 1,4,5 نظم: 1,2
گرشاسب‌نامه	۱۸	۵۸/ ستایش دین، نکوهش روزگار	۱۰۸	۲۰	۷۲ بیت در دو بخش	۷۰	+	1,4,2,3,5,6
یوسف و زلیخا	۱۱	_		۱۰	۵۸		+	1,4,5

www.SID.ir

Archive of SID

مخزن‌الاسرار	۱۲۰	۱۷۸/ در فضیلت سخن، توصیف شب، شناخت دل		۱۹۲	۴۳	۶۴	_	1,4, 6,5,2
خسرو و شرین	۱۳۹	۲۹ / وصف عشق		۳۳	۱۵۱(در سه بخش: مدح و بخش وصفی میان آنهاست)	۲۱۵	+	1,4,5,6,2
لیلی و مجنون	۱۰۵	۲۳۸/شکایت از حسودان، پند به فرزند، یادکرد گذشتگان،قناعت، فروتنی، نکوهش بیداد و...	۱۰۰	۱۰۹	۹۶	۱۵۵	+	1,4, 3,5,6,2
هفت پیکر	۵۸	۲۳۱/ ستایش سخن، موعظه، پند به فرزند		111	۷۲	۱۵۸	+	1,4, 5,6,2
دانشنامه میسری	۳۴		۲۳	۳	۳۶	۴۳		1,3,4,5,6

۳-۲-۱-سبب تالیف

از مهمترین بخش‌های مقدمه‌های عمومی، ذکر سبب تالیف کتاب است که حاوی اطلاعات ارزشمند و قابل توجهی در مورد شاعر، انگیزه سرایش و اثر است. این بخش خود مشتمل بر بخش‌های کوچک‌تری است:

۳-۲-۱-۱-انگیزه و هدف سرایش

این بخش نشان‌گر اهداف غایی اثر است و به طور کلی به دو دسته انگیزه‌های درونی و بیرونی تقسیم می‌شود که البته گاه هر دو انگیزه با هم است. انگیزه‌های درونی برپایه خودمحوری، دگر محوری و قوم محوری است. نخستین منظومه‌ای که مقدمه آن به سبب تالیف اشاره شده شاهنامه فردوسی است. وی انگیزه‌ای ملی و قوم محور داشته و هدف را به یادگار نهادن و جاودان ساختن داستان‌های کهن دانسته است:

از این نامور نامه شهریار بمانم به گیتی یکی یادگار(فردوسی ،۱۳۶۶، ج۱: ۱۱)

بدایعی بلخی در مقدمه منثور منظومه خود به انگیزه‌ای تعلیمی اشاره کرده و هدف خود را راحتی و سعادت مخاطب یعنی مخاطب محوری دانسته: «تا هرکه این کتاب را بخواند و معانیش را بداند پیوسته تنش اندر راحت بود و جانش در سعادت و به همه مرادها برسد»(ر.ک: بدایعی بلخی،۱۳۱۳ :۱۸۲) از دیگر منظومه‌هایی با این سبک و سیاق نصاب الصبیان است. مقدمهٔ منثور و بسیار مختصر

www.SID.ir

Archive of SID

آن بیشتر به دلیل جنبه‌های آموزشی آن است که پیرایه به اثر نبندد. منظومه‌های آموزشی دارای کوتاه‌ترین مقدمه‌ها هستند. این بخش منثور دارای تحمیدیه نیست و فراهی در آغاز خود را معرفی کرده و دلیل سرایش اثر را بازگفته است که انگیزه و هدف دیگر محور دارد: «صبیان را پیش از تعلم لغت عرب رغبت می‌افتد به اشعار فارسی... قدری از وی به نظم یاد کردیم تا بی تکلف یادگیرند...»(فراهی، :۴) بخش منظوم آن با خلاقیت خاصی همراه است زیرا جز بیت نخست که شاعر برحسب شیوه مرسوم با معرفی وزن عروضی آغاز کرده تحمیدیه و آموزش را با هم تلفیق کرده و این شیوه بسیار خلاقانه و قابل توجه است زیرا از یکسو ساختار منظومه رعایت شده و از سویی دیگر کاربردی آموزشی در آموختن معانی لغات از آن اراده کرده است:

اله است و الله و رحمـــن خدای دلیل است و هادی تو گـو رهنمای
محمد ستـــوده امین استـــــوار به قـــــرآن ثنا گفت وی را خدای
صحابه است یاران و آل اهل بیت که اسلام و دین شد از ایشان به پای

(فراهی،۱۳۷۴ هـ ق :۵)

این شیوه مورد تقلید امیرخسرو در منظومه خالق باری نیز واقع شده است(ر.ک امیرخسرو،۱۳۳۶: ۱)

اسدی طوسی هدفی فردی و خودمحور از سرایش گرشاسپ‌نامه ذکر کرده و انگیزه خود را بلندآوازه‌شدن خود و به یادگار ماندن نام نیک برشمرده است:

یکی کار جستم همی ارجمنـد که نامـــم شود زو به گیتی بلند
به رفتن بود خوش دل شاد من به نیکی کنـــد هرکسی یاد من(اسدی،۱۳۵۴: ۱۳)

این انگیزه یکی از انگیزه‌های رایج سرودن بوده و شاید نظر به رواج آن بوده که در برخی نسخ شاهنامه بیتی الحاقی آمده و هدفی چون اسدی طوسی برای آن برشمرده‌اند(فردوسی، ۱۳۶۶،ج۱(پانوشت): ۱۱) انگیزه دیگر، جنبه‌ای بیرونی دارد به این صورت که یاران و دوستان شاعر یا بزرگانی از شاعر درخواست می‌کنند که منظومه‌ای را به نظم در آورد که نتیجه آن سرودن منظومه‌های سفارشی است. بدیهی است مورد بحث این مقاله آن دسته از منظومه‌هایی است که شاعر در مقدمه به این امر اشاره کرده والا بسیاری از منظومه‌های فارسی اعم از تعلیمی و غنایی و عرفانی و حتی شاهکارهای بزرگ ادبی همچون مثنوی معنوی سفارشی محسوب می‌شود. اگرچه منظومه کلیله و دمنه و منظومه‌های عنصری منظومه‌هایی سفارشی محسوب می‌شوند اما نخستین منظومه

www.SID.ir

Archive of SID

باقی‌مانده با این نوع مقدمه، ویس و رامین است که شاعر به سفارش خواجه ابوالفتح حاکم اصفهان به نظم آورده است.(اسعد گرگانی،۱۳۴۹: ۲۹-۲۸) حدیقه‌الحقیقه را نیز براساس آنچه شاعر در مقدمه منثور ذکر کرده، می‌توان منظومه‌ای سفارشی محسوب کرد. براساس آنچه در باب هشتم آورده اثر خود را به بهرام‌شاه غزنوی تقدیم داشته اما در مقدمه منثور گفته بعد از بازگشت به غزنه، خواجه احمد مسعود تیشه با فراهم آوردن امکاناتی برای شاعر، از او خواسته منظومه خود را سامان دهد. از دیگر منظومه‌های سفارشی خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و هفت پیکر نظامی است.

۳-۲-۱-۲-نام اثر

معمولاً اولین برخورد مخاطب با اثر، از طریق عنوان آن انجام می‌گیرد، از همین نظر، عنوان هر اثری در جذب مخاطب، نشان دادن دورنمایی از محتوای اثر و ترغیب مخاطب به مطالعهٔ آن، نقش مهمی دارد. نگاهی به آثار فارسی نشان می‌دهد گاه برای یک منظومه، چندین نام وجود دارد تا حدی که این موضوع ممکن است برای محققی دشواری ایجاد کند. آن‌چنان‌که درباره الهی‌نامه عطار(ن.ک: شفیعی‌کدکنی،۱۳۹۳: ۳۳) یا ختم‌الغرائب خاقانی(ن.ک: افشار،۱۳۷۸: ۱۱) اتفاق افتاده است. از همین نظر اشاره به نام اثر در مقدمه اهمیت خاصی دارد. مواردی چون شخصیت‌های داستانی اثر، نتیجهٔ غایی و اخلاقی اثر، نام فردی که اثر به او تقدیم شده و الهام از خداوند از معیارهای نام‌گذاری اثر بوده است. برخی آثار با آنکه عنوان آن در مقدمه آمده باز هم به عنوان‌های مختلفی مشهور شده است که این موضوع گاه برخاسته از عنوان‌های مختلفی است که شاعر در جای جای آن اثر به کار برده است. حماسه فردوسی اولین اثری است که شاعر به عنوان آن در مقدمه اشاره کرده اما به صورت‌های مختلف:

از این نامـور نامه شهـــریار بمانـــم به گیتـی یکی یادگار(فردوسی خالقی،۱۳۶۶، ج۱: ۱۱)

شو این نامه خسروان بازگوی بدین جوی نزد مهان آبروی(همان:۱۴)

شاید یکی از دلایل اینکه این اسامی مشهور نشده آن باشد که شاعر مانند بسیاری از منظومه‌ها به علت و فلسفه نامگذاری اثر خود نپرداخته و گذرا از آن نام برده است. مهمترین معیار نام‌گذاری در اشعار روایی و داستانی شخصیت‌محور که بسامد فراوانی در ادبیات سنتی دارد قرارگیری نام شخصیت در مقام عنوان منظومه است و از آنجا که در این موارد عنوان بسیار ساده و قابل فهم است و مخاطب را به اشتباه نمی‌اندازد شاعر به معیارهای خود برای نام‌گذاری و تفسیر عنوان نمی‌پردازد،

www.SID.ir

Archive of SID

مانند ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی و گرشاسپ‌نامه اسدی طوسی که شاعر تنها اشاره‌ای به آن دارد:

کنون این داستان ویس و رامین بگفتند آن سخندانان پیشین(گرگانی،۱۳۴۹: ۲۸-۲۹)

در داستان‌های غیرشخصیت‌محور یا غیرروایی، شاعر به جنبه‌های پیچیده‌تری در عنوان‌گذاری توجه داشته از همین روی توجه به چگونگی انتخاب عنوان با تفصیل بیشتری همراه است. بدایعی بلخی دلیل انتخاب را این‌گونه بیان می‌کند: «وی را نام راحه‌الانسان کرد تا هرکه این کتاب بخواند و معانیش را بداند پیوسته تنش اندر راحت بود و جانش در سعادت...»(بدایعی، ۱۳۱۳: ۱۸۳) شاعر با رعایت مجاز به علاقهٔ سببیت، به نتیجهٔ اثر توجه داشته است. فراهی نیز بخشی از مقدمه را به علت نام‌گذاری اختصاص داده است: «چون مجموع این دویست و بیست بیت آمده بود آن را نصاب صبیان نام نهادیم»(فراهی،۱۳۷۴ هـ‌ق :۴) نظامی نیز در مخزن‌الاسرار که به حدیقه سنایی نظر داشته، عنوان را متناسب با موضوع زهد و عرفان نام‌گذاری کرده است:

مایه درویشی و شاهی درو مخـــزن اسرار الهی درو(نظامی،۱۳۸۶ :۳۵)

۳-۲-۱-۳-کتابشناسی(منبع و پیشینه سرایش و نقد آنها)

از بخش‌های مهم، تحقیقی و انتقادی مقدمه‌ها اشاره به منبع، پیشینه و نقد آنهاست. برحسب منظومه‌های باقی‌مانده فردوسی پیشرو این بخش است و جز در برخی منظومه‌های نظامی، در منظومه دیگری به دقت شاهنامه به این بخش پرداخته نشده است. فردوسی در مقدمه اشاراتی دارد به چگونگی جمع‌آوری شاهنامه ابومنصوری سپس در مقام پیشینه به پیشگامی دقیقی و ناقص ماندن اثر او به علت مرگ نابهنگام پرداخته است. این بخش‌ها اگرچه امروزه بدیهی و عادی جلوه می‌کند اما جزو موثق‌ترین اطلاعات در مورد شاهنامه محسوب می‌شود. از سویی دیگر نشان‌گر مهارت فردوسی در پرداخت مقدمه است به گونه‌ای که براساس موازین امروزی پیرامتن است تا جایی که از بخش قدردانی نیز غافل نبوده است و از دوست مهربانی(امیرک منصور) که شاهنامه ابومنصوری را در اختیار او نهاده و او را حمایت کرده، یاد کرده و او را ستوده است(ر.ک: فردوسی،۱۳۶۶، ج۱: ۱۵)

بسیاری از شاهکارهای ادبی فارسی همچون شاهنامه، منظومه‌های روایی نظامی و حکایات و امثله و امثالهم براساس متون پیشین سروده شده است و شاعر داستانی را از خود خلق نکرده و عموما خلق داستان و سرایش آن دو امر متفاوت بوده و اینکه شاعر صاحب روایت نباشد به جایگاه او آسیبی

www.SID.ir

Archive of SID

نمی‌رساند. وظیفه شاعر ساخت داستان نیست بلکه مهارت در به نظم‌آوردن داستان و پرداخت هنرمندانه آن، بیش از ساخت داستان است از همین روی یکی از نقدهای رایجی که در مورد پیشینه و منبع در منظومه‌ها وجود دارد، منثور بودن متون قبلی است(ر.ک: گرگانی،۱۳۴۹ : ۲۸)عیوقی نیز به سبب تالیف پرداخته و منبع خود را اخبار تازی و کتب جریر معرفی کرده و اشاره داشته کسی پیش از او این داستان را منظوم نساخته و «سخن بی‌شک از نظم رنگین شود»(ر.ک: عیوقی،۱۳۴۳ : ۴-۵) اسدی طوسی نیز به پیشینه و منبع توجه داشته و منبع وی کتابی منثور، احتمالا گرشاسب ابوالموید بلخی((تاریخ سیستان،۱۳۱۴: ۱)بوده:

ز کردار گشتاسب اندر جهان یکی نامه بـــد یادگـــار مهـان(اسدی طوسی،۱۳۵۴ :۱۹)

اسدی در پیشنه نظم به شاهنامه فردوسی اشاره کرده و اثر خود را به گونه ای تکمیل شاهنامه دانسته است:

به شهنامه فردوسی نغزگوی که از پیش گویندگان برد کوی

بسی یاد رزم یلان کرده بود از این داستان یاد ناورده بـــود(اسدی،۱۳۵۴: ۲۰)

وی در مقام ناقد، اگرچه به نقد رستم می‌پردازد اما بیشتر به نظر می‌رسد شاهنامه را نقد کرده است زیرا اگرچه داستان‌های زیادی در شاهنامه مندرج است اما گویا شاهنامه را با رستم می‌شناخته‌اند و داستانی که در تاریخ سیستان آمده گواه همین است: «محمود گفت همه شاهنامه خود هیچ نیست مگر حدیث رستم و اندر سپاه من هزار مرد چون رستم هست»(تاریخ سیستان،۱۳۱۴: ۷). اسدی طوسی نیز به این امر آگاه بوده و برای تثبیت شخصیت قهرمان خود به ناچار مجبور شده از شخصیت رستم بکاهد-و در واقع از اهمیت شاهنامه بکاهد- تا جایگاهی برای گرشاسپ و گرشاسپ‌نامه خود در برابر رستم و شاهنامه ایجاد کند:

ز رستم سخن چند خواهی شنود گمانی که چون او به مردی نبود

اگـــر رزم گرشاســـب یادآوری همـــه رزم رستـم به باد آوری(اسدی،۱۳۵۴ :۱۹)

۳-۲-۱-۴-دشواری‌های انجام کار

از دیگر مباحث سبب تالیف اشاره به دشواری‌هایی است که شاعر در سرودن اثر اعم از یافتن منبع و دشواری کار با آن رو به رو شده است. فردوسی به مشقت‌هایی که در به‌دست آوردن متن شاهنامه ابومنصوری متقبل شده، اشاره کرده است:

که این نامه را دست پیش آورم به پیوند گفتار خویش آورم

www.SID.ir

Archive of SID

بپرسیدم از هـــرکسی بی‌شمار بترسیدم از گـردش روزگار(فردوسی،۱۳۶۶، ج۱ :۱۳)

بیشتر صاحبان منظومه از زحمات خود در آراستن متن سخن گفته‌اند:

نهالی بد این رسته هم زان درخت شده خشک و بی‌بار و پژمرده سخت

من اکنـــون ز طبعـــم بهار آورم مـــرین شـــاخ نـــو را بـــه بار آورم

(اسد طوسی، ۱۳۵۴: ۲۰)

شاعری که بیش از همه به مشقت‌های خود در سرودن اشاره کرده نظامی در لیلی و مجنون است. سرودن آن به حدی دشوار بوده که وی در ابتدا قصد قبول خواسته شروان‌شاه نداشته زیرا داستان و مکان وقوع برای جولان نظامی مناسب نبوده و از همین روی کسی به سمت نظم آن نرفته است، ولی با همه دشواری تصمیم می‌گیرد خواسته شاه را برآورده کند(ر.ک: نظامی،۱۳۱۳دو: ۲۷)

۳-۲-۱-۵-محتوا و فهرست اثر

در برخی مقدمه‌ها شاعر به محتوای اثر خود نیز اشاره می‌کند. در ابتدا و در بیشتر منظومه‌ها بخصوص منظومه‌های روایی این اشاره به صورت کلی یا غیرمستقیم است. فردوسی ضمن اشاره به محتوای شاهنامه ابومنصوری غیرمستقیم به محتوای اثر خود نیز اشاره کرده است:

یکی نامه بـــد از گـــه باستان فـــراوان بدو اندرون داستان...

که گیتی به آغاز چون داشتـند که ایدون به ما خوار بگذاشتند

چگونه سرآمد به نیک اختری بریشـان بر آن روز کنـــدآوری(فردوسی،۱۳۶۶، ج۱: ۱۲)

بدایعی بلخی، اسدی طوسی، ابونصر فراهی و بسیاری از شاعران دیگر نیز اشاراتی به موضوع منظومه داشته‌اند. به مرور برخی آثار بوجود آمد که شاعر به محتوای اثر توجه خاصی داشته و به صورت فهرست‌واری منظوم به باب‌ها و موضوعات اثر به صورت واضح‌تری اشاره کرده است. قدیمی‌ترین اثری که در آن از این شیوه بهره گرفته شده حدیقه‌الحقیقه است:

باب او گرچه هست ظاهر ده هست باطـن بـه از صـد و پنجه

باب اول بیان تحمیـــد است محض تنزیه و صرف توحید است

باب ثانی و نعـــت رســـول وان بهر چار یار گشته قبول(سنایی،۱۳۲۹ : ۵۹)

در قرن هفتم سعدی نیز از این شیوه در بوستان بهره برده است.(سعدی،۱۳۵۹ :۶)

جدول دو: اجزای سبب تالیف

www.SID.ir

Archive of SID

عنوان منظومه	انگیزه سرایش	نام اثر و فلسفه نام‌گذاری	کتابشناسی	دشواری انجام کار	محتوای اثر
شاهنامه	درونی و قوم محور(زنده نگه داشتن داستان‌های کهن)	+(بدون ذکر فلسفه نام‌گذاری)	+	+	+
روشنایی‌نامه	درونی، دگرمحور(پند و ارشاد مخاطب و نشان دادن راه راست و توشه به او)	+	-	-	+
ورقه و گلشاه	-	-	+(ذکر منبع، اشاره به عدم پیشینه منظوم)	-	-
راحه الانسان	درونی، دگر محور(سعادت و راحتی مخاطب)	+	+(اشاره به منبع)	-	+
گرشاسب‌نامه	هم درونی، هم بیرونی، خودمحور(درخوسات ممدوم و باقی ماندن نام شاعر)	+(بدون ذکر فلسفه نام‌گذاری)	+(اشاره به منبع و پیشینه اثر، نقد آن)	-	+
یوسف و زلیخا	درونی، خودمحور(توبه از اشعار گذشته و جبران آن)	-	+(اشاره به منبع و در برخی نسخ اشاره به دو پیشینه منظوم داستان)	-	+
مخزن‌الاسرار	درونی، دگر محور و خودمحور(آزاد کردن شعر از مصطبه، ماندگار شدن شاعر)	+	+(اشاره به حدیقه الحقیقه در عین حال تازگی شیوه خود)	-	+
خسرو و شرین	بیرونی(تقاضای ممدوح)، دگرمحور(تمایل مردم زمانه به هوس‌نامه)	+(بدون اشاره به فلسفه نام‌گذاری)	+(اشاره به فردوسی و نقد آن)	-	+
لیلی و مجنون	بیرونی(تقاضای ممدوح و درخواست فرزند)	+بدون اشاره به فلسفه نام‌گذاری)	**+(اشاره به پیشینه که تاکنون منظوم نشده)**	+(محدود بودن فضای توصیفی- مکانی، غم‌انگیزی داستان و...)	+
هفت پیکر	بیرونی(تقاضای ممدوح)	-	+(اشاره به منابع مختلف)	-	-
دانشنامه میسری	درونی، دگرمحور(فایده رساندن به مخاطب)	+	-	-	+

۳-۲-۲-بستر نهایی

آخرین بخش مقدمه را در برخی منظومه‌ها می‌توان بستر نهایی شروع منظومه نام نهاد که در آن سراینده با اشاره به منبع خود، وارد اصل داستان می‌شود. منبع اشاره شده در این بخش می‌تواند

www.SID.ir

Archive of SID

شخص یا کتاب خاصی باشد. بستر نهایی در یک مصرع یا بیت و گاه بندرت در چند بیت آورده می‌شود. شیوه‌های مختلفی برای این منظور در منظومه‌ها استفاده شده است. فردوسی نظر به اینکه داستان را با زندگی دیرینه‌ترین شخصیت داستان‌های ملی آغاز کرده، برای برانگیختن توجه و کنجکاوی مخاطب، آن را با پرسش آغاز می‌کند:

سخن‌گوی دهقان چه گوید نخست که تاج بزرگی به گیتی که جست
که بـــود آنکه دیهیـــم بر ســر نهاد ندارد کـــس آن روزگـــاران به یاد

(فردوسی،۱۳۶۶، ج۱ : ۲۱)

غیر از شاهنامه، منظومه‌های دیگر با گزاره‌ای خبری آغاز شده است. بدیعی بلخی نیز که نظر به متون قبل از اسلام دارد، با استناد به دهقان، اصل منظومه را آغاز کرده است(بدایعی،۱۳۱۳: ۱۸۳) برخی نیز اصل داستان را به کتاب ارجاع داده‌اند:

چنین خواندم این قصه دلپذیر ز اخبار تازی و کتب جریر(عیوقی،۱۳۴۳: ۵)
نوشته یافتـــم اندر سمـــــرها ز گفـت راویان اندر خبرها(گرگانی،۱۳۴۹ :۳۲)

این شیوه نوعی مستندسازی به منبع سخن است و شگردی برای ورود به اصل داستان یا منظومه. البته این موضوع به نظر می‌رسد سنت باشد یا آنکه رعایت کامل امانت در تبدیل نثر به نظم؛ زیرا اسدی طوسی با آنکه به منبع خود که کتابی بوده اشاره می‌کند، در بستر نهایی آن را به گوینده نسبت می‌دهد گویی به صورت شفاهی شنیده:

سراینده دهقان موبدنژاد ز گفت دگر موبدان کرد یاد(اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۲۱)

۴-نتیجه

دیباچه حکم آستانه و دروازه ورود به متن اصلی دارد و از نظر اطلاعات مندرج در آن، جایگاه آن در فهم مطلب و آراستگی و انسجام متن و بسترسازی قابل توجه است. منظومه‌های فارسی از نظر مقدمه در سه دسته جای می‌گیرند: فاقد مقدمه، دارای مقدمه‌های عمومی، دارای مقدمه‌های اختصاصی. اتمام نیافتن منظومه یا جنبه تفننی یا آموزشی صرف داشتن برخی منظومه‌ها باعث شده به پیرایه مقدمه توجهی نشود. مقدمه‌های اختصاصی که متنوع‌اند در راستای موضوع اصلی منظومه و ایجاد بستری مناسب برای ورود به اصل داستان سروده شده‌اند. مهم‌ترین شاعری که به این شیوه توجه داشته سنایی در منظومه‌های کارنامه بلخ و سیرالعباد است. مقدمه‌های عمومی رایج‌ترین مقدمه منظومه‌های

www.SID.ir

Archive of SID

فارسی و شامل مواردی چون تحمیدیه، نعت رسول(ص) و صحابه، معراج‌نامه، آفرینش جهان، بخش وصفی، سبب تالیف، مدح ممدوح و بستر نهایی است که آغازگر این نوع مقدمه فردوسی است. برخی از این اجزا دارای اجزای خردتری هستند. سبب تالیف که از مهمترین بخش‌های مقدمه‌های عمومی است مشتمل بر مباحثی چون انگیزه و هدف سرایش، نام اثر، کتابشناسی و پیشینه منظومه، دشواری‌های انجام کار و فهرست و محتوای اثر است.

۴- منابع

۱. اخوت، احمد،**دستور زبان داستان**. اصفهان: فردا، ۱۳۷۱.

۲. اسدی طوسی، ابومنصور علی‌ابن احمد،***گرشاسب‌نامه***، تصحیح حبیب یغمایی، تهران: طهوری، ۱۳۵۴.

۳. افشار، ایرج، «ختم‌الغرائب= تحفه‌العراقین». **مجله معارف**. دوره شانزدهم، شماره ۲، صص۳-۳۸، ۱۳۷۸.

۴. امیرخسرو دهلوی،***لآلی عمان موسوم به جواهر خسروی***. به اهتمام محمد مقتدی خان، دهلی: بی‌نا، ۱۳۳۶.

۵. انوری، **دیوان**، تصحیح سعید نفیسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات سکه-پیروز، ۱۳۶۴.

۶. **اوستا**، گزارش جلیل دوستخواه، تهران: مروارید، ۱۳۷۱.

۷. آقااحمد علی، **تذکره هفت آسمان**. کلکته: مشن پریس،۱۹۸۳.

۸. بدایعی بلخی، «پندنامه انوشیروان یا راحه‌الانسان». تصحیح سعید نفیسی. مجله **مهر**. شماره۱۴، صص۱۸۱-۱۸۸، ۱۳۱۳.

۹. **تاریخ سیستان**، تصحیح ملک‌الشعری بهار، تهران: موسسه خاور، ۱۳۱۴.

۱۰. جاماسب جی دستور، **متون پهلوی**. گردآورنده، گزارش سعید عریان، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی، ۱۳۷۱.

۱۱. چندلر، دانیل، **مبانی نشانه شناسی**. ترجمه مهدی پارسا، چاپ دوم،تهران: سوره مهر، ۱۳۸۷.

۱۲. دهخدا، علی‌اکبر،**لغت‌نامه**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

۱۳. دهرامی، مهدی، «منظومه‌های علمی و آموزشی در ادبیات فارسی و بررسی سیر و محتوای آن». مجله **جستارهای نوین ادبی**. شماره ۱۹۵، صص۱-۲۲.

www.SID.ir

Archive of SID

۱۴. ربیع،**علی‌نامه**. تصحیح محمود امیدسالار، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۸.

۱۵. ستوده، غلامرضا و محمدباقر نجف زاده بارفروش، **تحمیدیه در ادب فارسی**. تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۵.

۱۶. سعدی، مصلح‌الدین،**بوستان**، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۵۹.

۱۷. سنایی، مجدودبن آدم،**سیرالعباد الی المعاد**. تصحیح سعید نفیسی، تهران: انتشارات مجله ادبی نسیم صبا، ۱۳۱۶.

۱۸. سنایی، مجدودبن آدم،**کارنامه بلخ**. تصحح مدرس رضوی، مجله فرهنگ ایران زمین، شماره۳، صص۲۹۷-۳۶۶، ۱۳۳۴.

۱۹. سنایی، مجدودبن‌آدم،**حدیقه‌الحقیقه**. تصحیح مدرس رضوی. تهران: بی‌نا، ۱۳۲۹.

۲۰. شفیعی‌کدکنی، محمدرضا، تعلیقات **منطق‌الطیر**.(ن.ک: عطار، فریدالدین،**منطق‌الطیر**. تصحیح محمدرضا شفیعی‌کدکنی. چاپ سیزدهم. تهران: سخن،۱۳۹۳).

۲۱. شمس قیس رازی،**المعجم فی معاییر ا شعار العجم**. تصحیح محمد قزوینی و تصحیح ثانوی مدرس رضوی، تهران: مطبعه مجلس، ۱۳۱۴.

۲۲. صفا، ذبیح‌الله، مقدمه **ورقه و گلشاه**(ر.ک: عیوقی،**ورقه و گلشاه**. تصحیح ذبیح الله صفا. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۳)

۲۳. عیوقی،**ورقه و گلشاه**. تصحیح ذبیح الله صفا. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۳.

۲۴. غزالی، محمد بن محمد،**کیمیای سعادت**. تصحیح حسین خدیو جم، تهران: علمی فرهنگی،۱۳۸۰.

۲۵. فراهی، ابونصر، **نصاب‌الصبیان**. تصحیح حسن زاده آملی، تهران: انتشارات اسلامیه، ۱۳۷۴ هـ.ق.

۲۶. فردوسی، ابوالقاسم،**شاهنامه**. دفتر یکم، تصحیح جلال خالقی مطلق، نیویورک: Bibliotheca Persica، ۱۳۶۶.

۲۷. قاسمی، مسعود، «اشعار آغازین منظومه ورقه و گلشاه». **نامه فرهنگستان**، بهار ۱۳۸۵، دوره ۸، شماره ۱، ص۹۹-۱۰۰.

www.SID.ir

Archive of SID

۲۸. کرمی، محمد حسین و حشمت‌الله آذرمکان، «بررسی تطبیقی تحمیدیه‌های چهار لیلی و مجنون». **نشریه گوهر گویا**، سال دوم، شماره ۷، صص۱-۳۷، ۱۳۸۷.

۲۹. گرگانی، فخرالدین اسعد،**ویس و رامین**. تصحیح ماگالی تودوا و الکساندر گواخاریا. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.

۳۰. مبارک‌شاه، فخرالدین، **رحیق‌التحقیق**. تصحیح نصرالله پورجوادی. تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.

۳۱. نارمن شارپ، رلف،**فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی**. چاپ سوم، تهران: پازینه، ۱۳۸۸.

۳۲. ناصرخسرو،**دیوان قصاید و مقطعات حکیم ناصرخسرو به ضمیمه روشنایی‌نامه و سعادت‌نامه**. تصحیح تقی‌زاده. تهران: مطبعه مجلس، ۱۳۰۷.

۳۳. نظامی، الیاس بن یوسف،**خ سرو و شیرین**. تصحیح وحید دستگردی. تهران: مطبعه ارمغان، ۱۳۱۳یک.

۳۴. نظامی، الیاس بن یوسف،**مخزن الاسرار**. تصحیح وحید دستگردی. تهران: قطره، ۱۳۸۶.

۳۵. نظامی، الیاس بن یوسف،**لیلی و مجنون**. تصحیح وحید دستگردی. تهران: مطبعه ارمغان، ۱۳۱۳دو.

۳۶. نفیسی، سعید، **محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی**. تهران: کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۱.

۳۷. وطواط، رشیدالدین، «یک رساله در عروض». **مجله یادگار**، سال دهم، صص۶۷-۷۱، ۱۳۲۴.

www.SID.ir